

رویکرد رشد فراگیر در بن‌سپیکره برنامه، مستقیم توسعه؛ الزامات و چارچوب‌ها



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
گروه پژوهشی توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل
مجموعه گزارش شماره ۳۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسه گزارش

عنوان	رویکرد رشد فراگیر در بن‌پیکره برنامه هفتم توسعه؛ الزامات و چارچوبها
کد شناسه	۱۴۰۳-۸-۱۴۰۱
گروه پژوهشی	توسعه، تأمین مالی و اقتصاد بین‌الملل
پدیدآورنده	سیدرحیم تیموری
ناظر علمی	دکتر غلامرضا گرائی نژاد
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	مرداد ۱۴۰۱
طراح جلد	هومان حاجی ماشاء اله بزاز
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر متعلق به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللهی - خیابان سپند - پلاک ۱۶ شماره تماس ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام‌رسان ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
https://www.dfrc.ir/	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۴.....	۱- مختصات نظری و مفهومی رویکرد منتخب
۴.....	۱-۱- تعریف رشد فراگیر
۵.....	۱-۲- الزامات و چارچوب‌های نظری تحقق رشد فراگیر
۶.....	۱-۳- تکوین رویکردهای رشد: گذار از مدل‌های رشد تک‌ساحتی به رویکرد رشد فراگیر
۹.....	۱-۴- دلالت‌های متنوع رویکرد رشد فراگیر
۱۰.....	۱-۵- نسبت رشد فراگیر با نظریات و رویکردهای پایه بدیل برای برنامه هفتم
۱۲.....	۲- دلایل انتخاب رویکرد منتخب و تصویر برنامه هفتم ذیل آن
۱۲.....	۲-۱- چرایی انتخاب رویکرد منتخب
۱۵.....	۲-۲- حوزه‌های مهم رویکرد منتخب
۱۶.....	۲-۳- برخی اهداف و ره‌گام‌های پیشنهادی در رویکرد منتخب
۲۱.....	۳- نتایج و بحث؛ ضرورت انتخاب یک رویکرد نظری پایه در برنامه هفتم و الزامات آن
۲۳.....	منابع

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۶.....	جدول ۱: الزامات سیاستی و حاکمیتی رشد فراگیر
۱۰.....	جدول ۲: نسبت رشد فراگیر با نظریات و رویکردهای پایهٔ بدیل برای برنامه هفتم توسعه
۱۳.....	جدول ۳: امکان گذار از آسیب‌های متداول برنامه‌ها در رویکرد منتخب
۱۶.....	جدول ۴: چند نمونه از پیشران‌ها در رویکرد منتخب
۱۷.....	جدول ۵: چند نمونه از زیرساخت‌ها در رویکرد منتخب
۱۷.....	جدول ۶: چند نمونه از ابعاد توسعه اجتماعی در رویکرد منتخب
۱۸.....	جدول ۷: چند نمونه از نشانگرهای حکمرانی در رویکرد منتخب
۲۰.....	جدول ۸: چند نمونه از سیاست‌های سرزمینی در رویکرد منتخب

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۹.....	نمودار ۱: تکوین رویکردهای رشد: یک سیر تکوینی.....
۱۰.....	نمودار ۲: دلالت‌های چندگانه رشد فراگیر.....
۱۵.....	نمودار ۳: حوزه‌های مهم رویکرد رشد فراگیر.....

مقدمه

گزارش پیش‌رو، بخش دوم و پایانی یک مجموعه گزارش با محوریت تعیین تم، مضمون یا بن‌پیکره برنامه هفتم توسعه در حد مقدمات و ضروریات توسعه ایران و البته با نگاه به اخیرترین برنامه‌های توسعه در کشورهای موفق و صاحب‌نظام برنامه‌ریزی است. توضیح اینکه، بخش اول گزارش^۱ پیرامون این پرسش شکل گرفت که آیا امکان هدف‌گذاری برنامه هفتم بر رشد اقتصادی ۸ درصدی مهیا است؟ اگر بنا باشد این دورنگاه^۲ در شاکله سایر اهداف^۳ برنامه قرار گیرد و با درگیر کردن ظرفیت‌های معطل کشور [بخش‌ها و استان‌ها] محقق شود. می‌دانیم که به‌رغم هدف‌گذاری بر این شاخص مهم از زمان تدوین سند چشم‌انداز ۱۳۸۴-۱۴۰۴ تاکنون، چنین عملکردی محقق نشده و روند بلندمدت رشد اقتصادی در ایران نیز نشان می‌دهد به‌استثنای چند سال معدود اوج درآمدهای نفتی در دهه ۱۳۴۰، تغییرات نوسانی و تصادفی ارقام رشد- که متأثر از تکانه‌های برونزا، نه رفرم‌های نهادی داخلی است و به ویژگی ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده- هدف‌گذاری فوق را دور از دسترس کرده است. بنابراین در پاسخ به پرسش فوق و اینکه آیا ما تجربه درونی از بابت تحقق رشد بالا در بازه‌های بلندمدت را داریم که بتوانیم آن را به برنامه خاصی استناد دهیم و مکانیسم‌های برنامه‌ای آن تجربه را امروز نیز مبنا قرار دهیم، پاسخ منفی است. البته دلایل و آسیب‌های مقدم بر این رشد اقتصادی بطئی و نیز عملکرد پایین سایر شاخص‌ها و ارقام توسعه، خارج از دامنه این گزارش بوده و دلایل آن با جزئیات از طرف محققان پرشمار کشور بررسی شده و در ادامه این گزارش صرفاً به اختصار بیان خواهد شد.

بنابراین تنها یک راه باقی است و آن اینکه تجربه بیرونی کشورهای واجد رشد بالا را بر کاویم، آن هم صرفاً کشورهای که نظام برنامه‌ریزی نیز دارند؛ چراکه دنبال خط و ربط‌های برنامه‌ای و سیاستی- حاکمیتی مقوم رشد هستیم. ذکر این نکته لازم است که به‌رغم بازاندیشی دهه ۱۹۸۰-۱۹۹۰، تکانه وارد بر تفکر کینزی و عقب‌نشینی دولت‌ها

۱. نگاه کنید به: سید رحیم تیموری، «دلالت‌ها و امکان‌های هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه بر رشد اقتصادی ۸ درصدی»، انتشارات مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۴۰۰

از چارچوب‌های برنامه‌ای،^۱ به نحوی متناقض شاهد افزایش تعداد و تعدد برنامه‌های توسعه^۲ این بار به شکل محرک‌ها، سیاست‌ها، ابتکارات، آمایش‌ها، چشم‌اندازها و غیره هستیم؛ هر قدر که از فرمت برنامه‌های میان‌مدت کاسته شده باشد. مع الوصف، مواردی چون برنامه اخیر ترکیه (۲۰۱۹-۲۰۲۳) و چشم‌انداز ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۳ ترکیه؛ سیاست توسعه ملی مالزی (۲۰۲۱-۲۰۲۵)؛ برنامه توسعه پنج‌ساله تایلند؛ برنامه توسعه منطقه‌ای کنیا؛ طرح‌های آمایش سرزمین ۱۰ ساله و ۲۰ ساله کره جنوبی؛ برنامه توسعه عراق (۲۰۱۸-۲۰۲۲)؛ استراتژی توسعه ارمنستان (۲۰۱۴-۲۰۲۵)؛ استراتژی توسعه قطر (۲۰۱۸-۲۰۲۲)؛ چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان، چشم‌انداز ۲۰۲۵ پاکستان؛ برنامه‌های پنج‌ساله چین؛ و نیز برنامه‌های پنج‌ساله هند؛ و چین می‌توانند به‌رغم تفاوت‌های مفروض با ایران صرفاً از بابت پاسخ به پرسش فوق مقایسه‌پذیر باشند. البته بدین دلیل که موارد فوق بیشتر از جنس برنامه‌های سرزمینی، منطقه‌ای، محلی یا از جنس سیاست یا استراتژی هستند تا برنامه‌های جامع توسعه ملی؛ فقط تجربه دو کشور هند و چین مبنا قرار گرفتند. مزید بر اینکه فقط همین دو نمونه واجد رشد اقتصادی مداوم تقریباً ۸ درصدی و بالاتر در چند دهه گذشته هستند و نیز استمرار نهاد برنامه‌ریز دو کشور طی دوره بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون زیانزد است؛ اما آیا برنامه‌های توسعه این کشورها واجد ویژگی‌هایی بوده که محرک این رشدهای خیره‌کننده باشد، یا به‌طور مشخص‌تر آیا رویکرد نظری مشخصی در شالوده این برنامه‌ها وجود دارد که بتواند مسئله را با وضوح بیشتر توضیح دهد؟

مطالعه ما بر روی برنامه‌های توسعه دهه اخیر چین و هند نشان داد، رویکرد رشد فراگیر^۳ که مبنای برنامه‌های یازدهم و دوازدهم هند (۲۰۰۷-۲۰۱۷) و یکی از مبناهای استراتژی هند جدید (۲۰۱۸-۲۰۲۲) و یکی از مبناهای برنامه‌های سیزدهم و چهاردهم چین (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) است؛ احتمالاً سرنخ مسئله را در اختیار ما قرار می‌دهد؛ اما ساده‌اندیشانه است اگر فکر کنیم صرفاً انتخاب یک رویکرد حتی اگر آزمون خود را در دو کشور در حال توسعه که جنس مسائل آنها شبیه ما است و به مانند ما در حال گذار (گذار یافته) از یک سری مشکلات مشابه هستند؛ نقش چوب جادو را خواهد داشت و گره‌های کوری که نظام برنامه‌ریزی ما را احاطه کرده باز خواهد کرد. به لحاظ نظری، رویکرد رشد فراگیر بر شانه نظریه نهادی و انگاره حکمرانی توسعه‌گرا قرار دارد. به لحاظ تجربی نیز، آنچه امکان قرار دادن رویکرد فوق را در بن‌پیکره برنامه‌های اخیر چین و هند قرار داده، این

۱. نگارنده این سطور در جای دیگر، روند بلندمدت‌ترین برنامه‌ریزی توسعه در جهان را سنخ‌شناسی کرده است. نگاه کنید به:

– «مطالعه تطبیقی تجربه برنامه‌ریزی توسعه در جهان؛ گسست‌ها و گذارها»، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۴۰۱.

۲. هاجون چانگ، بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری، گفتار نوزدهم، ترجمه ناصر زرافشان، مهریستا، ۱۳۹۵

است که چنین کشورهایی در کنار سایر اقتصادهای نوظهور نهادهایی از قبیل بودجه‌ریزی فعال کینزی، نظامات رفاه متشکل، مقررات سختگیرانه‌تر بازار مالی، نهاد تنظیم‌گر مالیاتی، نهادهای گروه‌گرای چانه‌زنی دستمزد و نهادهای هماهنگ‌کننده سرمایه‌گذاری- به زبان عجم اوغلو، نهادهای فراگیر- را به صف کردند که تجربه چین بعد از دوره اصلاحات ۱۹۷۸ و تجربه هند بعد از اصلاحات ۱۹۹۱ گواه بارز آن است؛ بنابراین وقفه بلندمدت تثبیت نهادهای فراگیر و توسعه‌گرا در ایران یک ترمز بسیار محکم است که انتخاب هر نوع رویکردی را به‌عنوان بن‌پیکره برنامه‌های توسعه دشوار می‌کند. علاوه بر ضرورت نوآوری نهادی در آستانه تدوین برنامه هفتم، ضرورت بزرگ‌تر اما انتخاب یک رویکرد مناسب است که با فرض بهبودهای نهادی و قاعده‌گذاری مناسب همایند با خود، بتواند مسائل کشور را هدف قرار دهد. بنابراین پرسش گزارش پیش‌رو این است که اگر بنا باشد رویکرد رشد فراگیر در بن‌پیکره برنامه هفتم توسعه قرار گیرد و خلأ نظری برنامه را پر کند، الزامات و چارچوب‌های آن چیست‌اند و دورنمای برنامه و تصویر عناصر برنامه به چه شکل خواهد بود؟ گزارش در پاسخ به پرسش فوق در سه بخش تدوین شده است: بخش اول، مربوط به مختصات مفهومی و نظری رویکرد منتخب؛ بخش دوم، معطوف به دلایل انتخاب رویکرد و تصویر برنامه هفتم ذیل آن؛ و بخش سوم معطوف به الزامات و چارچوب‌های انتخاب آن رویکرد است.

۱- مختصات نظری و مفهومی رویکرد منتخب

۱-۱- تعریف رشد فراگیر

رشد فراگیر آن نوعی از رشد اقتصادی است که منجر به افزایش سطح استاندارد زندگی سطح وسیعی از مردم شود و منافع حاصل از رشد اقتصادی در بین سطح وسیعی از مردم و در بین تمامی بخش‌ها توزیع گردد؛ بنابراین رشد اقتصادی بالا (بزرگ‌تر شدن اندازه یک اقتصاد)، الزاماً به معنای رشد فراگیر (تقسیم این یک و منافع حاصل از بزرگ‌تر شدن آن به صورت عادلانه) نیست. رشد فراگیر با اندازه و چگونگی تقسیم یک در بین سطح وسیعی از مردم؛ و با پیامدهای اقتصادی (مانند کاهش فقر و نابرابری) و اجتماعی (مانند مشارکت گسترده مردم در فرایند رشد) رشد اقتصادی نیز سروکار دارد؛ بنابراین تعریف رشد فراگیر سه ضلع دارد:

۱- کدام رشد؟ فراتر از رشد درآمدها، توجه به مشارکت مولد در عرصه‌های اقتصادی- اجتماعی.
۲- رشد برای چه کسانی؟ فراتر از رشد میانگین درآمدها، توجه به نظام کارآمد توزیع درآمد میان تمام گروه‌ها و منطقه‌ها.

۳- رشد با چه پیامدهایی؟ فراتر از تأثیر رشد بر گروه‌های هدف؛ متوجه پیوندهای علی بین سیاست‌های مختلف و تلاش برای پدید آوردن هم‌افزایی سیاستی و انجام اقدامات جبرانی^۱.
به طور خلاصه، رشد فراگیر رشدی است که فقر و نابرابری را کاهش می‌دهد؛ بنابراین فراتر از یک مدل صرفاً اقتصادی و نوعی رویکرد بزرگ‌تر اقتصادی- اجتماعی است که بهبودهای حکمرانی- سیاسی را پیش‌فرض دارد از این حیث که:

الف) برای آنکه رشد فراگیر باشد باید بهره‌وری بهبود پیدا کند و فرصت‌های جدیدی برای اشتغال ایجاد شود. نسبت تعداد شاغلان به کل جمعیت فعال، یک تقریب مناسب برای مشارکت در رشد اقتصادی است.
ب) رشد فراگیر بر تحلیل آینده‌نگر از منابع و محدودیت‌های رشد بالا و مستمر و کاهش فقر متمرکز است. در رشد فراگیر، شاخص نابرابری به‌عنوان یک تقریب مناسب برای سهم شدن در رشد اقتصادی باید کاهش یابد.
ج) رشد فراگیر دیدگاه بلندمدت دارد و بر بهبود ظرفیت مولد افراد و ایجاد محیط مساعد برای اشتغال تأکید می‌کند. با توجه به این دیدگاه بلندمدت، تمرکز بر تحول ساختاری در چهارچوب رشد فراگیر وجود دارد.
د) رشد فراگیر به دنبال بهره‌مندی از فرصت‌ها برای اکثریت نیروی کار، چه فقیر و چه طبقه متوسط است.^۲

1. "THE GOVERNANCE OF INCLUSIVE GROWTH", OECD, 2015

۲. نگاه کنید به: بزلی، تیموتی و لوئیز کورد (۱۳۸۹). رشد فقرزدا، ترجمه عباس شاکری و امین مالکی، تهران: نی: بخش مربوط به رشد فراگیر.

۱-۲- الزامات و چارچوب‌های نظری تحقق رشد فراگیر

از بررسی متون مربوطه پیداست که رشد فراگیر یک دورنمای بلندمدت دارد و نیازمند وجود نهادهای فراگیر سیاسی و اقتصادی است.^۱ به لحاظ نظری، رویکرد رشد فراگیر بر شانه نظریه نهادی و نوع جدیدی از حکمرانی سیاسی به نام دولت توسعه‌گرا^۲ قرار دارد: چارچوبی که مشروعیت مردمی آن تا حد زیادی بر توانایی دولت در ایجاد رشد اقتصادی مداوم متکی است.^۳ بنابراین گام نهادن در راه رشد فراگیر، الزامات و چارچوب‌هایی دارد که از منطبق نظری پشتوانه آن برمی‌آید (نگاه کنید به: جدول ۱). بنابراین قرار دادن آن در بن‌پیکره برنامه هفتم توسعه (به مانند آنچه از تجربه هند و چین در گزارش قبلی ذکر کردیم) یک سری الزامات و چارچوب‌های مقدم دارد:^۴

- ۱- حذف نهادهای بهره‌کش: بیشتر نهادهای فعلی در کشور، نهادهای بهره‌کش هستند تا نهادهای فراگیر. در این راستا به تغییرات اساسی در نهادهای سیاسی نیاز داریم. نمونه‌ای از نهادهای فراگیر (و توسعه‌گرا) که در بخش قبلی گزارش بدان اشاره شد عبارتند از: بودجه‌ریزی فعال کینزی، نظامات رفاه متشکل، مقررات سختگیرانه‌تر بازار مالی، نهاد تنظیم‌گر مالیاتی، نهادهای گروه‌گرای چانه‌زنی دستمزد و نهادهای هماهنگ‌کننده سرمایه‌گذاری.
- ۲- محیط تنظیم‌گری مناسب و غیررانتی: که یکی از شاخص‌های تحقق حکمرانی اقتصادی است.
- ۳- توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی: رشد فراگیر دنبال توزیع عادلانه (درآمدها، ثروت‌ها و فرصت‌ها)، کاهش فقر و پیگیری جدی سیاست‌های فقرزدایی، همچنین دنبال کردن سیاست رشد به نفع فقرا است. در رشد فراگیر، بحث توزیع بسیار مهم است؛ یعنی مسئله توزیع درآمدها و ثروت‌ها و به‌ویژه فرصت‌های برابر به جهت دستیابی به بازارها و منابع اقتصادی) در بین سطح وسیعی از مردم.
- ۴- افزایش بهره‌وری، اشتغال مولد و شایسته‌سالاری: رشد فراگیر تنها با جنبه‌های اقتصاد کلان رشد، سروکار ندارد بلکه به جنبه‌های خرد اقتصادی نیز توجه می‌کند.

۱. عجم‌اوغلو، دارون و جیمز رابینسون، چرا کشورها شکست می‌خورند، پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰
۲. Developmental state: نخستین بار چالمرز جانسون (۱۹۸۲)، ژاپن را به مثابه یک دولت توسعه‌گرا تعریف کرد، سنخ خاصی از دولت مبتنی بر رهبری نخبگان و بوروکراسی توانمند که ابزارهای سیاسی لازم را برای نیل به این هدف توسعه اقتصادی به کار می‌گیرد. لفت ویچ (۲۰۰۰) با روشی که مطالعات تطبیقی- تاریخی ویر را تداعی می‌کند شکل‌گیری دولت‌های توسعه‌گرا را رخداد یکه شرق آسیا می‌داند. مطالعات جدیدتر ایده انتقال‌پذیری دولت توسعه را محتوم دانسته‌اند. در مقدمه *استراتژی نوین هند (۲۰۱۷-۲۰۲۲)* که یکی از مبناهای تدوین آن بر رشد فراگیر است، بر ضرورت گذار از دولت نرم به دولت توسعه‌گرا به عنوان عامل مقوم رشد تأکید شده که شاهدی قوی دال بر فرارگیری رویکرد رشد فراگیر بر این شالوده نظری محکم است.

3. Castells, Manuel, *The Information Age: III, End of Millennium*, 270-71.

۴. بخش‌هایی از مطالب این قسمت از گزارش زیر احصاء شده است:

- صمدی، علی حسین، «رشد فراگیر با نهادهای بهره‌کش، قابل دستیابی نیست»، روزنامه اقتصاد پویا، ۱۰ فروردین ۱۴۰۱

۵- افزایش حمایت‌های اجتماعی دولت: دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی برای سطح وسیعی از مردم مدنظر است. نظام اقتصادی و اجتماعی و دسترسی به زیرساخت‌های آنها کمک بسیار زیادی به مردم برای پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد می‌کند. لازم است سطح حمایت‌های اجتماعی دولت از مردم مانند بیمه‌های اجتماعی، سیاست‌های بازار کار، طرح‌های رفاهی و ... افزایش یابد. به طور کلی لازم است قانون کار و برنامه‌های تأمین اجتماعی و رفاه تغییر کنند.

جدول ۱: الزامات سیاستی و حاکمیتی رشد فراگیر

سیاست‌های ناظر بر رشد فراگیر	دلالت‌های حکمرانی در رشد فراگیر
۱- تمرکز بر تأثیر چندگانه سیاست‌ها: ستانده‌های مادی و غیرمادی زندگی	- ترسیم چشم‌انداز برای رشد فراگیر: تعریف اهداف رشد فراگیر با استفاده از داده‌های متقن - انسجام سیاسی: ارزیابی و رسیدگی به هم‌راستایی‌ها و ناهم‌راستایی‌ها میان اهداف سیاستی چندبعدی
۲- تمرکز بر سیاست‌های یکپارچه: رشد و بازتوزیع	- اهتمام برای اجرای پایدار سیاست‌ها: پیش‌نگری تحولات اجتماعی- اقتصادی گسترده‌ای که شاید اهداف رشد فراگیر را متأثر سازند و انطباق کوتاه/میان/ بلندمدت منابع و اولویت‌ها - بررسی تأثیرهای ذوابعد: استفاده از ارزیابی‌های پیشینی برای بررسی تأثیرهای اقتصادی و بازتوزیعی
۳- تمرکز بر پیامدهایی که تجلی نیازهای جامعه‌اند: سلامت، آموزش، اشتغال	- تصمیم‌گیری مشارکتی: ترویج مشارکت متوازن ذینفعان در سلامت، آموزش، اشتغال - حکمرانی چندبعدی در سلامت، آموزش، اشتغال: به منظور ارتقای انسجام سیاست‌های برنامه‌ای
۴- تمرکز بر نابرابری‌های درآمدی و رفاهی برای گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی و رای مقیاس‌های آماری	- خدمت‌رسانی فراگیر: پیاده‌سازی بر مبنای بیشینه‌سازی دسترسی، استفاده و پاسخگویی برای همه منطقه‌ها و گروه‌های اجتماعی - مشارکت فراگیر: سازوکارهای بازخورد و مشارکت معطوف به ارتقای فرایند پیاده‌سازی سیاست‌های فراگیر - تحلیل چندسطحی: ملاحظات مکانی مؤثر بر نابرابری

منبع: OECD, 2015

۱-۳- تکوین رویکردهای رشد: گذار از مدل‌های رشد تک‌ساحتی به رویکرد رشد فراگیر

چیستی، چگونگی و سیاست‌گذاری رشد اقتصادی، از گذشته در فهرست مسائل بسیار مورد توجه علم اقتصاد بوده است. مجموعه‌ای از تلاش‌های انجام شده برای پاسخ به این مسئله، به شکل‌گیری ادبیاتی با عنوان نظریه رشد اقتصادی انجامیده است که نوشتار حاضر مروری بر ادبیات مذکور خواهد بود. بسیاری از اجزای بنیادی نظریات مدرن رشد اقتصادی از سوی اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت (۱۷۷۶)، دیوید ریکاردو (۱۸۱۷)، توماس مالتوس (۱۷۹۸) و بعدها از سوی فرانک رمزی (۱۹۲۸) و ژوزف شومپیتر (۱۹۳۴) فراهم شد. این ایده‌ها مواردی نظیر رفتار رقابتی، پویایی‌های تعادلی، نقش بازدهی کاهنده در انباشت سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، اثر متقابل

میان درآمد سرانه و نرخ رشد جمعیت، اثر پیشرفت فنی بر تخصص‌گرایی فزاینده نیروی کار و کشف ابزارها و روش‌های جدید تولید و نیز نقش قدرت انحصاری به عنوان انگیزه تلاش برای دستیابی به پیشرفت‌های تکنولوژیک را در بر می‌گیرد.^۱

نمودار ۲ تکوین رویکردهای رشد را در یک گذار چندین دهه‌ای نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود از منظر تاریخی مدل رشد برونزای هارود-دومار در دهه ۱۹۵۰ سرفصل طلایی دیدگاه‌های معطوف به رشد اقتصادی است. آن دو تلاش کردند تحلیل‌های کینزی را با عناصر رشد اقتصادی ترکیب کنند. آنها با استفاده از توابع تولیدی که امکان جانشینی عوامل تولید را محدود می‌ساخت، تلاش کردند تا نشان دهند که نظام سرمایه‌داری ذاتاً ناپایدار است. فرم نئوکلاسیک تابع تولید، جنبه کلیدی مدل سولو (۱۹۵۶) بود که فرض بازدهی ثابت به مقیاس، بازدهی کاهنده نسبت به هر عامل تولید منفرد و کشش جایگزینی مثبت میان عوامل تولید را در دل خود داشت. این تابع تولید در کنار قاعده نرخ پس‌انداز ثابت، یک الگوی تعادل عمومی بسیار ساده را خلق می‌کرد. در واقع رشد تکنولوژیک به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی در این نوع الگوها در نظر گرفته می‌شد، متغیری بود که در «بیرون از مدل» رشد اقتصادی، در یک جعبه سیاه و به شکل نامعلومی تعیین می‌شد. از این‌رو این مدل‌ها به مدل‌های رشد برونزا شهرت یافتند.

با عبور از میانه‌های دهه ۱۹۸۰، موج جدیدی از تحقیقات با مقالات رومر (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) آغاز شد. انگیزه این موج از تحقیقات به مواجهه با این پدیده مربوط می‌شد که شناخت عوامل تعیین‌کننده نرخ رشد اقتصادی بلندمدت بسیار حیاتی‌تر از تعیین مکانیسم وقوع ادوار تجاری و اثرات ضد چرخه‌ای سیاست‌های پولی و مالی است. موج جدید تحقیقات رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده بود که باید از فرضیه برونزایی رشد تکنولوژیک رهایی یابد. این امر به طراحی «مدل‌های رشد درونزا» منجر شد. رومر (۱۹۸۶)، لوکاس (۱۹۸۸) و ریلو (۱۹۹۱) درونزایی رشد تکنولوژی را پیگیری کردند.

اگرچه این سنت نظری هنوز در علم اقتصاد فعال است و در خصوص مکانیسم رشد اقتصادی، بینش‌های متعددی را ارائه کرده اما برای مدتی طولانی است که به نظر می‌رسد این سنت قادر به ارائه توضیح بنیادین پدیده رشد نیست. به گفته نورث و توماس (۱۹۷۳): عواملی چون نوآوری، صرفه‌های مقیاس، آموزش، انباشت سرمایه و غیره علل وقوع رشد نیستند بلکه آنها خودشان رشد هستند. در واقع، انباشت سرمایه و نوآوری صرفاً «سبب نزدیک»

۱. مطالب این قسمت عمدتاً برگرفته از منابع زیر است:

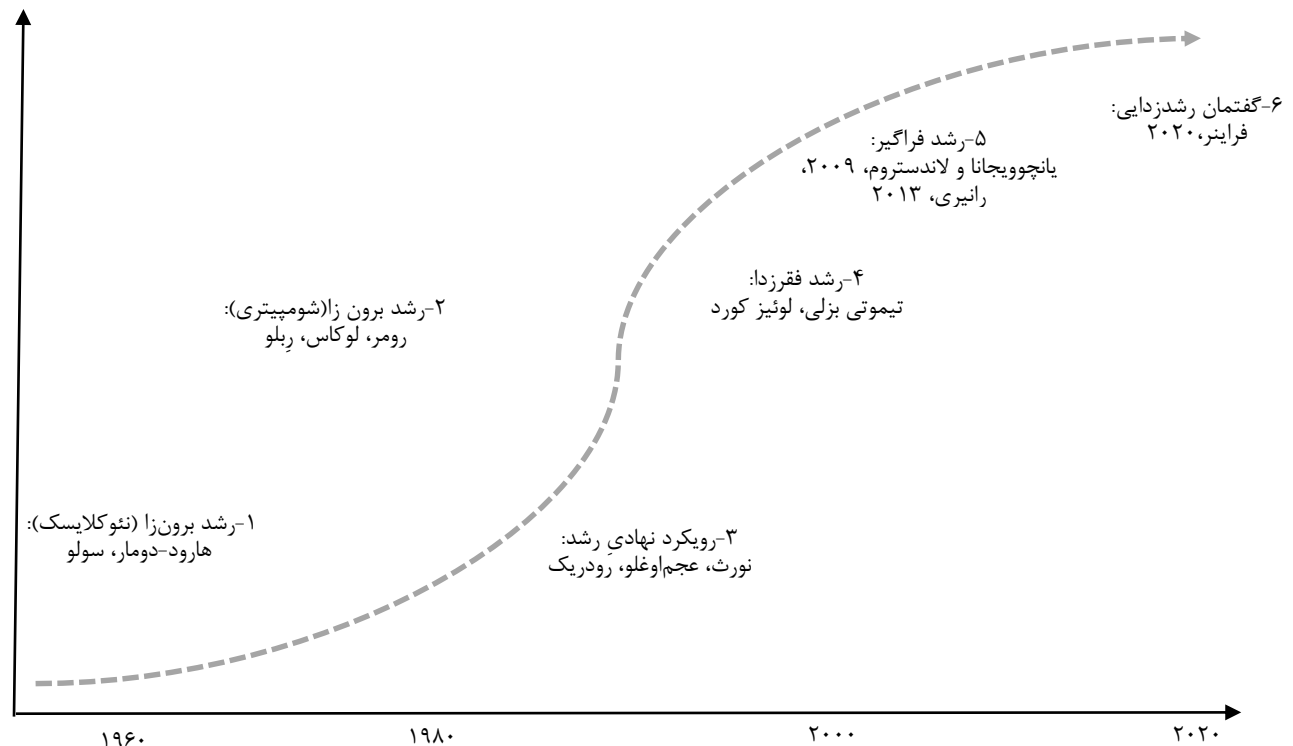
- منکیو، گریگوری (۱۳۹۵). اقتصاد کلان، ترجمه حمیدرضا ارباب، نشر نی.
- جونز، هاپول (۱۳۹۰). رشد اقتصادی (نظریه‌ها/الگوها و واقعیت)، ترجمه صالح لطفی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

رشد هستند. در دیدگاه نورث و توماس، تفاوت میان نهادهاست که رشد نسبی را توضیح می‌دهد. در واقع نظریه اقتصاد نهادگرا نشان می‌دهد که نوآوری، سرمایه‌گذاری در آموزش، انباشت سرمایه فیزیکی و غیره که در مدل‌های متعارف رشد اقتصادی به عنوان علل رشد در نظر گرفته می‌شوند، معلول ساختار نهادی جامعه هستند.

سال‌های چرخش به قرن بیست و یکم، زمانه تأکید بر رویکرد رشد فقرزدا و به موازات آن رشد فراگیر بود. چنانچه یافته‌های بزلی و کورد (۱۳۸۹) نشان می‌دهند رویکرد رشد فراگیر از رشد فقرزدا متأخرتر است و الزامات و چارچوب‌های نظری پیش‌فرض آن را در بخش قبل توضیح دادیم؛ اینکه رویکردهای اخیر وجه نظری-اجتماعی و بین‌رشته‌ای بیشتری داشته و الزامات نهادی-سیاستی بیشتری بر آنها سایه دارد.

آخرین سیر تطوری در رویکردهای رشد ورود به نگاه گفتمانی به این مقوله و رواج گفتمان رشدزدایی^۱ که اهمیت و محوریت رشد مادی و اقتصادی در توسعه را با ارجاع به پیامدهای منفی آن در سطوح مختلف به چالش می‌گیرد. پیشنهاد اصلی رشدزدایی، کاهش تولید و مصرف در سطح جهانی و جایگزینی شاخص‌هایی مانند بهروزی به جای تولید ناخالص داخلی در ادبیات توسعه است.

موارد فوق روند بسیار خلاصه‌ای از تکوین رویکردهای رشد که در نمودار ۱ نشان داده شده است:



نمودار ۱: تکوین رویکردهای رشد: یک سیر تکوینی

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۱- دلالت‌های متنوع رویکرد رشد فراگیر

چنانچه در گزارش نخست این مجموعه دیدیم،^۱ بررسی تطبیقی اسناد برنامه‌های کشورهای منتخب (چین و هند) نشان داد رشد فراگیر نقطه کانونی برنامه‌ها بوده و حتی چشم‌انداز استراتژی نوین هند (۲۰۱۷-۲۰۲۱) بر رشد فراگیر قرار دارد. از سوی دیگر، روند تکوینی رویکردهای رشد از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم (نمودار ۱) نشان می‌دهد چگونه گذار از رویکرد رشد تک‌ساحتی به رویکرد رشد فراگیر حادث شده و به تدریج ابعاد اجتماعی، نهادی و پایداری به مقوله رشد اضافه شده است. دلالت‌های مختلف رشد فراگیر در نمودار ۲ به نمایش درآمده که شمولیت این مفهوم را نشان می‌دهد؛ شاهدی دال بر اینکه این چارچوب مفهومی آن‌قدر پوشش‌دهنده ساحت‌های توسعه بوده که در بن‌پیکره برنامه‌های توسعه کشورهایمانند چین و هند نشست است. صد البته، انتخاب رویکرد رشد فراگیر به عنوان بن‌پیکره برنامه هفتم، مستلزم یک‌سری الزامات و چارچوب‌های مقدم/همایند در زمینه سیاست‌گذاری کلان اقتصادی-اجتماعی و برنامه‌ای است که در بخش ۱-۲ از گزارش پیش‌رو به آن اشاره و در بخش سوم نیز بیان خواهد شد.

۱. نگاه کنید به: سید رحیم تیموری، «دلالت‌ها و امکان‌های هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه بر رشد اقتصادی ۸ درصدی»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۴۰۰.

دلال‌ت اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> *رشد سریع و پایدار اقتصادی: پیش‌نیاز و ابردلال‌ت *اشتغال مولد: تمرکز بر اشتغال مولد بجای توزیع مستقیم درآمد برای گروه‌های محروم
دلال‌ت زیرساختی	<ul style="list-style-type: none"> *ارتقاء زیرساخت‌ها: دسترسی همهٔ بخش‌های جامعه زیرساخت‌های پایه، زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی، بازار کار، و شمولیت مالی
دلال‌ت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> *کاهش فقر: ارائه مکمل‌های درآمدی به فقرا برای مخارج مازاد آنها در حوزه خصوصی *توسعه انسانی: و ارتقاء قابلیت‌های انسانی و بهبود سرمایه اجتماعی *توانمندسازی: مشارکت و انتفاع به خصوص فرودستان (زنان و اقلیت‌ها) از توسعه
دلال‌ت حکمرانی	<ul style="list-style-type: none"> *ارتقاء حکمرانی: برای اینکه رشد فراگیر تحقق یابد استانداردهای حکمرانی مانند شفافیت و پاسخگویی باید ارتقا یابد
دلال‌ت فضایی	<ul style="list-style-type: none"> *پیکره‌بندی فضایی: کاهش نابرابری‌های فضایی توسعه ذیل استراتژی پایه و بلندمدت سرزمینی - منطقه ای

نمودار ۲: دلال‌ت‌های چندگانه رشد فراگیر

منبع: یافته‌های تحقیق

توضیح: مطالعات UNDP نیز تقریباً همین دلال‌ت‌ها را برای رشد فراگیر برشمرده است.

۱-۵- نسبت رشد فراگیر با نظریات و رویکردهای پایه بدیل برای برنامه هفتم

طبعاً سیاستگذار توسعه امکان انتخاب از بین رویکردهای بدیلی را دارد که قابلیت انتخاب به عنوان تم یا بن‌پیکره برنامه ششم را دارند. جدول ۲ نشان می‌دهد رویکرد رشد فراگیر بخش مهمی از ویژگی‌های مفروض نظریات و رویکردهای بدیل توسعه را دارد که از سرشت ترکیبی این رویکرد برمی‌آید:

جدول ۲: نسبت رشد فراگیر با نظریات و رویکردهای پایه بدیل برای برنامه هفتم توسعه

دیدگاه توسعه پایدار	نظریه توسعه اجتماعی	راهبرد توسعه صادرات	نظریه دولت توسعه‌گرا	رویکرد تثبیت اقتصادی	نظریه / رویکرد بدیل
۱- تجدید حیات رشد اقتصادی به سمت الوهیت‌های همه‌شمول ۲- جهت‌گیری به سمت نیازهای ضروری ۳- اطمینان از سطح پایداری جمعیت	۱- تمرکز بر ابعاد همه‌شمول توسعه از جمله آموزش، سلامت، مسکن ۲- تأکید بر بازتوزیع درآمد و کاهش فقر، تأمین اجتماعی و توجه به مناطق کم برخوردار	۱- شتاب رشد GDP با گسترش سریع بخش صنعت با حمایت‌های دولت (سایر پیشران‌ها) ۲- فرض وجود مکانیسم اقتصاد بازار رقابتی (فضای نابرابر بین‌الملل رقابت را مخدوش می‌کند)	۱- بوروکراسی توانمند و مستقل (+) ۲- مداخله‌گری‌های سیاسی مقوم رشد اقتصادی ۳- دولت واجد نقش‌های توسعه‌ای چهارگانه اوانزی به‌ویژه قابلیت و پرورش‌گری	۱- سیاست‌گذاری کلان ارزی و پولی برای تثبیت اقتصادی و به تبع ثبات سیاسی ۲- مقررات‌زدایی بازارها و موقتی‌سازی مشاغل	عناصر رویکردهای بدیل و حضور/ غیاب آنها در رویکرد منتخب (وجود عناصر در رویکرد منتخب با رنگ سبز و غیاب عناصر با رنگ قرمز نشان داده شده است)

رویکرد رشد فراگیر در بن‌بیکره برنامه، متمم توسعه؛ الزامات و چارچوبها

<p>۴- حفاظت از منابع و مواجهه معقول با چالش اقلیمی</p> <p>۵- جهت‌گیری مجدد روابط اقتصادی و بین‌المللی</p> <p>۶- اقدام در جهت مشارکتی ساختن توسعه</p>	<p>۳- افزایش سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی</p> <p>۴- کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق کاربست اقدامات توانمندساز، جامعه‌محور و مشارکتی</p>	<p>۳- توسعه صادرات در صنایع دارای مزیت نسبی (مزیت نسبی در روابط مرکز- پیرامون بلا موضوع است)</p> <p>۴- افزایش درآمدهای صادراتی کشور و تنوع بازارهای هدف</p> <p>۵- توسعه آزادی و رقابت در محیط کسب و کار (فضای اقتصادی) به‌عنوان شرط لازم برای توسعه صادرات</p> <p>۶- توسعه زیرساخت‌های مرتبط با امر صادرات</p>	<p>۴- خودگردانی متکی بر جامعه</p> <p>۵- حکمرانی هم‌افزا برای تعقیب ضرورت‌های رشد</p> <p>۶- تعهد به توسعه ظرفیت‌های انسانی (زیرساخت‌ها، خدمات آموزشی و بهداشتی) در کنار کنشگری در بازارهای بین‌المللی</p>	<p>۳- کنترل دستمزدها و کاهش مخارج عمومی</p> <p>۴- تثبیت پول ملی با استفاده از ذخایر ارزی کلان</p> <p>۵- جذب سرمایه‌های خارجی</p>
--	--	--	--	--

منبع: یافته‌های تحقیق

۲- دلایل انتخاب رویکرد منتخب و تصویر برنامه هفتم ذیل آن

۲-۱- چرایی انتخاب رویکرد منتخب

الف) جوانب درون‌کشوری انتخاب رویکرد منتخب

- ۱- امکان هدف‌گذاری برنامه هفتم بر رشد اقتصادی هدف^۱، به قسمی که ظرفیت معطل بخش‌ها و استان‌ها بکار گرفته شود و چالش‌های سطوح اجرایی (ملی، استانی، بخشی) ترمیم شود.
- ۲- امکان هدف‌گذاری برنامه هفتم بر یک سری مسائل کلیدی و خط‌دهنده که از جنس محرک توسعه هستند و مقوم رشد فراگیر.
- ۳- امکان هماهنگی با مدل برنامه‌ریزی هسته‌محور^۲ هسته‌هایی که جهش هر یک از آنها با رشد فراگیر تأثیر و تأثر دارد و منافاتی در برنامه‌ریزی بر روی آنها با دال مرکزی رشد فراگیر وجود ندارد.
- ۴- همگرایی با سند ملی آمایش سرزمین: تکیه‌گاه نظری و اجرایی رویکرد رشد فراگیر بر هنر سیاستگذار در تداوم رشد تولید ناخالص داخلی (هدف بنیادین برنامه‌های توسعه در اکناف جهان) در عین ملاحظات سرزمینی قرار دارد.

ب) جوانب برون‌کشوری انتخاب رویکرد منتخب

- ۱- رشد اقتصادی، یعنی سرعت افزایش تولید ناخالص داخلی، نه‌تنها اصلی‌ترین معیار پیشرفت کشورها به‌خصوص در رقابت نفس‌گیر چند دهه اخیر در مناطق مختلف دنیا بوده، بلکه سنگ محک پرستیژ و قدرت آنها است. گذار بلندمدت این مفهوم از رشد برون‌زا در دهه ۱۹۶۰ تا رشد فقرزدا و فراگیر در دهه ۲۰۱۰-۲۰۲۰ نشان می‌دهد، علی‌رغم انتقادات ایدئولوژیک، معرفت‌شناختی و عصری وارد بر رشد و توسعه، هنوز هم‌وزن رشد اقتصادی بر برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه کشورها سنگینی می‌کند؛ و تجربه درخشان اقتصادهای نوظهور در رشد توأم با کاهش فقر و نابرابری یک‌بار دیگر توجه به این مفهوم را دوچندان کرده است.
- ۲- رشد فراگیر ذیل یک رفرم نهادی و دولت توسعه‌گرا، بن‌بیکره برخی از اخیرترین برنامه‌های توسعه در کشورهای در حال توسعه‌ای چون هند، چین و پاکستان است. برای مثال، مبنای برنامه‌های یازدهم و دوازدهم هند (۲۰۰۷-۲۰۱۷)، یکی از مبناهای استراتژی نوین هند (۲۰۱۸-۲۰۲۲) و نیز یکی از مبناهای برنامه‌های سیزدهم و چهاردهم چین (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵) و چشم‌انداز ۲۰۳۵ چین است.

۱. این هدف معقول می‌تواند حدود ۵-۶ درصد در متوسط دوره برنامه باشد.

ج) امکان گذار از آسیب‌های متداول برنامه‌های قبلی در رویکرد منتخب

شاکله‌بندی برنامه هفتم بر رشد فراگیر، قبل از هر چیز مستلزم در انداختن یک طرح نو در نگاه به اسناد برنامه متفاوت از گذشته است؛ طرح نویی که ماهیت یکپارچه اهداف برنامه، دامنه متمایز بازیگری دولت و غیردولت، مشارکت داوطلبانه ذینفعان در برنامه، نقش برنامه به‌عنوان یک عامل برانگیزاننده انرژی اجتماعی را پیش‌فرض دارد:

جدول ۳: امکان گذار از آسیب‌های متداول برنامه‌ها در رویکرد منتخب

آسیب‌های معمول برنامه‌های توسعه	امکان گذار از آسیب‌ها در رویکرد منتخب
۱- چندانگی در اهداف، تعارض در پارادایم‌ها و تفرق در رویکردها: جامع‌نگری صرف در فرایندها	۱- ماهیت یکپارچه اهداف برنامه: رشد سریع به‌عنوان پیش‌شرط و رشد فراگیر به‌عنوان مبنای اصلی یا یکی از مبنای‌های اتصال‌دهنده سایر اهداف.
۲- نامشخص بودن دامنه بازیگری دولت و معطل بودن ظرفیت بخش خصوصی	۲- تعیین دامنه بازیگری دولت و بخش خصوصی: بخش خصوصی ظرفیت سرمایه‌گذاری و تحریک رشد در اکثر زمینه‌های اقتصاد را دارد و ارائه آموزش، بهداشت و خدمات ضروری برای بخش عمده‌ای از جمعیت در زمره ابتکارات دولتی است (بازسازی نقش دولت نه کاهش نقش آن از بابت پل زدن بر شکاف‌های جامعه).
۳- معمولاً بخش مدنی، غیرانتفاعی، متخصصان موضوعی بیرونی توسعه، از دایره برنامه‌ریزی بیرون هستند فقط نمایندگان وزارتخانه‌ها و نهادهای حکومتی در کار فرایند هستند.	۳- مشارکت در برنامه: همسویی انرژی ذینفعان، نه فقط ذینفعان متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌ها و نهادهای حکومتی بلکه کارشناسان موضوعی- دانشگاهی بیرونی، سازمان‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی و بخش عمومی غیرانتفاعی.
۴- چندان نشانی از نقش برنامه به مثابه عامل همگراکننده بین ذینفعان و نظام حکمرانی کشور و بهبود کارکرد نظام حکمرانی با مکانیسم‌هایی چون ایجاد بخش داوطلبانه برای تحقق برنامه است. از این نظر برنامه به عنوان راهنمای عمل برای نهادهای بازار، مبنای مهمی برای دولت در انجام وظایف خود و دیدگاهی است که بین مردم به اشتراک گذاشته می‌شود.	۴- نقش برنامه: سند برنامه به مثابه عامل همگراکننده بین ذینفعان و نظام حکمرانی کشور و بهبود کارکرد نظام حکمرانی با مکانیسم‌هایی چون ایجاد بخش داوطلبانه برای تحقق برنامه است. از این نظر برنامه به عنوان راهنمای عمل برای نهادهای بازار، مبنای مهمی برای دولت در انجام وظایف خود و دیدگاهی است که بین مردم به اشتراک گذاشته می‌شود.
۵- امکان چندان بر درگیر شدن استان‌ها وجود نداشته و بخش‌ها نیز در سردرگمی اهداف چندگانه و هم‌سبزی دچار روزمرگی هستند.	۵- امکان درگیر کردن بخش‌ها، استان‌ها و ذینفعان به طرق زیر: - درگیر کردن استان‌ها با چشم‌انداز رشد فراگیر و اهداف رشد سریع و شاخص‌های آن؛ و نیز با ابتکارات بزرگ سرزمینی؛ - درگیر کردن بخش‌ها با وجود دو تا سه هدف مشخص برای بخش‌های منتخب اگر بنا باشد برنامه‌ریزی بر چند حوزه حیاتی یا پایه مشخص بنا شود؛ - و درگیر کردن سایر ذینفعان با توجه به رفرم‌های مربوط به حکمرانی که بر برون‌فکنی انرژی اجتماعی پیش‌نیاز موفقیت برنامه تأکید دارد.

منبع: یافته‌های تحقیق

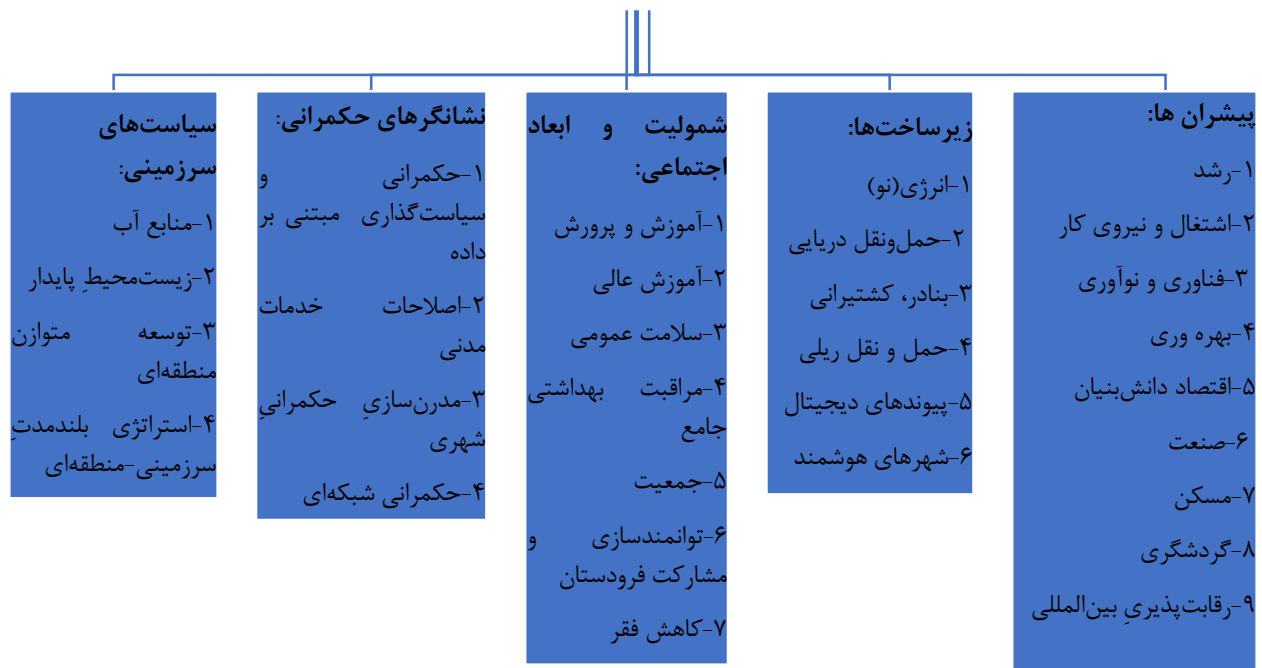
د) امکان فعال کردن عناصر ظرفیت‌ساز برنامه در رویکرد منتخب

مطابق بررسی تطبیقی بر روی برنامه‌های توسعه دهه اخیر در هند و چین که در جلد نخست این مجموعه گزارش ارائه شد، در این رویکرد تأکید بر ظرفیت‌سازی برنامه، درگیر کردن عناصر تأثیرگذار در موفقیت برنامه، مردمی بودن و همه‌شمولی برنامه و در یک کلام نگاه گشایشی به برنامه با حداقل منابع و امکانات است تا نگاه ریاضتی به برنامه؛ بنابراین، امکان فعال کردن عناصر ظرفیت‌ساز برنامه در رویکرد منتخب به شرح زیر وجود دارد:

- ۱- استان‌ها: با چشم‌انداز رشد فراگیر و اهداف رشد سریع و شاخص‌های آن (در قالب یک یا چند جدول).
- ۲- بخش‌ها: در یکی از حوزه‌های مهم قابل طبقه‌بندی هستند و می‌توان آنها را با دو تا سه هدف مشخص که با چشم‌انداز رشد فراگیر هم‌سستیز نباشد، درگیر کرد.
- ۳- سایر ذینفعان: هم در فرایند تهیه برنامه در قالب جلسات و تعاملات اندیشگی منظم، هم در متن برنامه با توجه به بندهای مربوط به حکمرانی شبکه‌ای و ملاحظات مردم‌محور و هم از بابت مشوق‌های مشارکت داوطلبانه.
- ۴- سایر مشارکت‌کنندگان: همسویی انرژی ذینفعان، نه فقط ذینفعان متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌ها و نهادهای حکومتی بلکه کارشناسان موضوعی- دانشگاهی بیرونی، سازمان‌های جامعه مدنی، بخش خصوصی و بخش عمومی غیرانتفاعی.

۲-۲- حوزه‌های مهم رویکرد منتخب

در این رویکرد تأکید بر یک سری حوزه مهم/ موضوع حیاتی^۱ است که رشد فراگیر را نمایندگی می‌کنند و امکان پیاده کردن یک برنامه مسئله‌محور (مانند برنامه هفتم) بر روی آنها مهیا است. همچنین مواردی گزینش شده که قبلاً به نوعی در برنامه‌های توسعه به آنها پرداخته شده است، در مطالعات موجود کشور بر آنها تأکید شده و بسترهای داخلی لازم را تا حدی دارند. چنانچه نمودار ۳ نشان می‌دهد این حوزه‌ها عبارتند از: پیشران‌ها، زیرساخت‌ها، ابعاد توسعه اجتماعی، نشانگرهای حکمرانی و سیاست‌های سرزمینی.



نمودار ۳: حوزه‌های مهم رویکرد رشد فراگیر

منبع: یافته‌های تحقیق

توضیحات: داده‌های نمودار ۳ و نیز جداول ۴ تا ۸، عمدتاً برگرفته از «استراتژی نوین هند (۲۰۱۷-۲۰۲۲)» است. از بابت انطباق داده‌ها با تجربه داخلی، از گزارش مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری با عنوان «شناسایی مسائل، پیشران‌ها و هسته‌های کلیدی توسعه کشور برای کاربست در برنامه هفتم» (۱۴۰۱) استفاده شده و مورد به مورد به متن برنامه ششم توسعه نیز رجوع شده است.

۲-۳- برخی اهداف و راه‌گام‌های پیشنهادی در رویکرد منتخب

جداول ۴ تا ۸، به ترتیب شامل اهداف و راه‌گام‌های پیشنهادی برای برخی از رویکرد منتخب پیشران‌ها، زیرساخت‌ها، ابعاد توسعه اجتماعی، نشانگرهای حکمرانی، سیاست‌های سرزمینی، به مثابه حوزه‌های حیاتی رویکرد منتخب است که تا حدی تصویر اولیه برنامه هفتم ذیل رشد فراگیر را به مخاطب عرضه می‌کند:

جدول ۴: چند نمونه از پیشران‌ها در رویکرد منتخب

حمل و نقل ریلی		انرژی (نو)	
اهداف	راه‌گام‌ها	اهداف	راه‌گام‌ها
<p>۱- استفاده بهتر از زیرساخت‌های موجود به‌رغم جمعیت بالای متقاضی.</p> <p>۲- کاهش صلبیت سازمانی در بخش زیرساخت از طریق اصلاحات ساختاری.</p> <p>۳- منطقی کردن ساختارها و دارایی‌های در بخش ریلی برای ایجاد درآمد.</p> <p>۴- افزایش ایمنی قطارها برای کاهش تصادفات و نوسازی ایستگاه‌ها.</p> <p>۵- ایجاد یک نهاد مقررات‌گذار مستقل برای راه‌آهن کشور.</p> <p>۶- تأسیس یک کارگزار مستقل یک‌دست‌کننده، برای اتخاذ فناوری جدید راه‌آهن و بهبود سرعت و قابلیت اطمینان شبکه راه‌آهن.</p>	<p>۱- تا افق برنامه، شبکه ریلی کشور نه‌تنها کارآمد و ایمن باشد، بلکه از نظر جابه‌جایی مردم و هم کالا مقرون به صرفه و قابل دسترسی باشد.</p> <p>۲- افزایش ظرفیت زیرساخت‌های راه‌آهن موجود.</p> <p>۳- افزایش میانگین سرعت حمل و نقل قطارهای عادی و سریع‌السیار</p> <p>۴- افزایش سهم جابجایی کالا با قطار به میزان ۲۰ درصد بیشتر از رقم فعلی تا پایان برنامه</p>	<p>۱- تدوین استراتژی کارایی انرژی با تأکید بر انرژی‌های تجدیدپذیر</p> <p>۲- وجود بازارها و مقررات در سطح ملی برای توازن ظرفیت‌سازی در انواع انرژی ضروری است.</p> <p>۳- گرایش به سمت سیستم‌های هیبریدی انرژی‌های تجدیدپذیر</p> <p>۴- ارتقاء شبکه هوشمند و کنتورهای هوشمند در مصرف انرژی.</p> <p>۵- ایجاد یک ظرفیت بازاری برای تقویت انعطاف‌پذیری پیک تقاضای انرژی</p>	<p>۱- افزایش ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر متناسب در تراز کشورهای نوظهور منطقه تا پایان برنامه</p> <p>۲- سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی و نیروگاه‌های بادی متناسب با ظرفیت کشور</p> <p>۳- حتی‌المقدور کاهش سهم شدت انتشار کربن از GDP با توجه به وابستگی کشور به نفت و گاز</p>

جدول ۵: چند نمونه از زیرساختها در رویکرد منتخب

گردشگری		صنعت		اشتغال و نیروی کار		رشد	
اهداف	ره‌گام‌ها	اهداف	ره‌گام‌ها	اهداف	ره‌گام‌ها	اهداف	ره‌گام‌ها
۱- افزایش تعداد بازدیدهای سالانه ذیل ویزای الکترونیکی	۱- افزایش سهم گردشگران بین‌المللی در تراز اقتصادی نو ظهور تا پایان برنامه	۱- ایجاد تقاضا، رشد زیرساخت صنعتی و ارتقای بنگاه‌های کوچک و متوسط	۱- افزایش ۵۰ درصدی رشد کنونی بخش صنایع تولیدی با دید تا سال پایانی برنامه	۱- ارتقای مهارت‌ها و کارآموزی	۱- افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان	۱- افزایش نرخ های سرمایه‌گذاری تا پایان برنامه	۱- شتاب بخشیدن مداوم نرخ تولید ناخالص داخلی به‌منظور نیل به رشد ۸ درصدی در بازه برنامه هفتم
۲- ترمیم زیرساخت و بعد ارتباط پذیری مکان‌های هدف	۲- بهبود ساخت‌افزارها و نرم‌افزارهای گردشگری تا پایان برنامه	۲- ترغیب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش تولیدی صنعتی	۲- شکل دادن به بخش صنایع تولیدی بر اساس دستاوردهای اخیر در حوزه تکنولوژی	۲- اصلاح قوانین کار ناظر بر ساده‌سازی و تصحیح قوانین کار انعطاف‌پذیری و امنیت شغلی	۲- تثبیت قراردادهای کار از طریق اصلاح قوانین کار، آسان‌سازی مناسبات صنعتی و تضمین دستمزدهای منصفانه	۲- ثبات اقتصاد کلان از رهگذر سیاست‌های پولی و مالی	۲- افزایش نرخ سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی متناسب با آن
۳- توسعه مهارت‌ها و اتصال اجتمع‌های محلی به گردشگری	۳- افزایش تعداد بازدیدهای گردشگران از مکان‌های هدف تا پایان برنامه	۳- تجارت الکترونیک و ارتقای زیرساخت‌های آن به مثابه پیشران دهه آینده	۳- تجارت الکترونیک و ارتقای زیرساخت‌های آن به مثابه پیشران دهه آینده	۳- مهارت‌آموزی و کارآموزی زنان برای ارتقای مشارکت آنها	۳- آسان‌سازی مناسبات صنعتی و تضمین دستمزدهای منصفانه	۳- اصلاحات مالی و بانکی در افق برنامه	۳- افزایش تقریباً ۳۰ درصدی صادرات کالاها و خدمات
۴- ترویج و بازاریابی گردشگری، به ویژه در رابطه با اماکن فرهنگی	۴- افزایش سهم گردشگران از مکان‌های هدف تا پایان برنامه	۴- سهولت کسب‌وکار و توسعه سیستمیک آن در جغرافیای کشور	۴- سهولت کسب‌وکار و توسعه سیستمیک آن در جغرافیای کشور	۴- به‌روزرسانی و واقعی‌سازی داده‌های مربوط به اشتغال	۴- به‌روزرسانی و واقعی‌سازی داده‌های مربوط به اشتغال	۴- تمرکز بر صادرات و صنایع تولیدی	۴- متناسب با آن صادرات و صنایع تولیدی
				۵- ارتقای سلامت و ایمنی شغلی در بخش غیررسمی از طریق ظرفیت‌سازی	۵- ارتقای سلامت و ایمنی شغلی در بخش غیررسمی از طریق ظرفیت‌سازی	۵- ایجاد اشتغال چه برای تازه‌واردان به بازار کار و چه در بخش‌های صنعتی کاراندوز، ساخت‌وساز و خدمات	۵- ایجاد اشتغال چه برای تازه‌واردان به بازار کار و چه در بخش‌های صنعتی کاراندوز، ساخت‌وساز و خدمات

جدول ۶: چند نمونه از ابعاد توسعه اجتماعی در رویکرد منتخب

توانمندسازی و مشارکت فرودستان		کاهش فقر		آموزش عالی	
اهداف	رهگام‌ها	اهداف	رهگام‌ها	اهداف	رهگام‌ها
<p>۱- اطمینان از حساسیت فکری به مشارکت فرودستان از با بت تنظیم قوانین و سیاست‌ها با توجه به چالش‌های پیش روی آنها بخصوص زنان</p> <p>۲- تقویت چارچوب‌های قانونی برای رفع تبعیض علیه فرودستان و ترویج برای جنسیتی- قومی.</p> <p>۳- طرحی برای ارائه آموزش مهارت و اشتغال به افراد فرودست برای ادغام آنها با جامعه اصلی.</p> <p>۴- مداخلات سیاسی لازم برای بخش‌های مختلف آسیب پذیر جامعه.</p> <p>۵- مکانیسم‌های نهادی برای اجرای مؤثر برنامه‌ها برای این افراد.</p>	<p>۱- خلق یک محیط توانمند، بدون موانع نهادی و ساختاری.</p> <p>۲- افزایش مشارکت نیروی کارگروه‌های غیررسمی و جداگانه داشته و نیز زنان تا افق برنامه</p> <p>۳- تقویت مشارکت زنان و فرودستان در فعالیتهای صنعتی و بنگاهی</p> <p>۴- تضمین زندگی با عزت، امنیت اجتماعی و امنیت فرودستان که آنها را قادر می سازد تا فعالانه در توسعه اقتصادی و فرآیند ملت‌سازی شرکت کنند.</p>	<p>۱- از آنجا که مهارت پویا است، توسعه شاخص‌های مهارتی باید مبتنی بر تقاضاها باشد و طرح‌های مختلف دولتی بر آن متمرکز شود.</p> <p>۲- تمرکز بر گروه‌های دارای نیازهای ویژه مانند زنان سرپرست خانوار، بی‌خانمان‌ها، معلولان و غیره.</p> <p>۳- تقویت چارچوب‌های قانونی برای رفع تبعیض علیه زنان و ترویج برابری جنسیتی.</p> <p>۴- افزایش ارتباطات و امکان تحرک مکانی به ویژه در محیط‌های روستایی برای اتصال به فرصت‌ها</p>	<p>۱- اطمینان از توسعه مهارت‌های کاری و کاهش شکاف‌های مهارتی افراد بر اساس جنسیت، موقعیت مکانی و تشکلیافتگی</p> <p>۲- کاهش نابرابری‌های جغرافیایی (روستایی، شهری، شهرها، مناطق حاشیه شهر، نقاط دورافتاده) و حاشیه‌نشینی</p> <p>۳- افزایش مهارت و توانایی گروه‌های فقیر و به حاشیه رانده شده برای اشتغال در فعالیتهای غیر سنتی (مانند کارهای فنی)</p> <p>۴- کاهش نسبت سرشمار فقر تا پایان برنامه به میزان ۲۰ درصد نسبت به برآوردهای قبلی</p>	<p>۱- رفورم‌های لازم در بابت حکمرانی و مقررات گذاری در آموزش</p> <p>۲- اعطای آزادی به مؤسسات آموزشی تا برنامه درسی را فراتر حداقل استاندارد اولیه، نوآوری و گسترش دهند.</p> <p>۳- تدوین هنجارهای عام برای جذب هیئت علمی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی</p> <p>۴- اعطای بودجه و مشوق‌های مرتبط با عملکرد در دانشگاه‌ها</p> <p>۵- جایجایی آموزش غیرحضوری به جای حضوری با تأکید بر فناوری ترکیبی که دربردارنده آموزش غیرحضوری و کاربرد فناوری باشد.</p> <p>۶- استفاده از انواع ابزارهای اشاعه‌گرا برای گسترش روش‌ها، نگرش‌ها و فهم علمی جامعه.</p>	<p>۱- اصلاح در نسبت ناخالص ثبت نام در آموزش عالی (GER) برحسب تغییرات پارادایمی در حوزه‌های دانش و ضرورت بازار کار در افق برنامه</p> <p>۲- افزایش شمولیت آموزش عالی برای گروه‌های دارای بیشترین آسیب.</p> <p>۳- ایجاد یک اکوسیستم توانمند برای تقویت روحیه تحقیق و نوآوری.</p> <p>۴- بهبود ظرفیت اشتغال دانشجویان در حال اتمام تحصیلات عالی.</p> <p>۵- عمومی‌سازی علم در جامعه.</p>

جدول ۷: چند نمونه از نشانگرهای حکمرانی در رویکرد منتخب

مدرن‌سازی حکمرانی شهری - محلی		حکمرانی و سیاست‌گذاری مبتنی بر داده	
اهداف	رهگام‌ها	اهداف	رهگام‌ها
<p>۱- ایجاد یک سیستم اصلاح‌شده ارزیابی عملکرد حکمرانی شهری - محلی برای اطمینان از ارائه مؤثرتر و کارآمدتر خدمات عمومی</p> <p>۲- افزایش توانمندی مقامات حوزه مدنی - عمومی برای اجرای نقش معین خود بدون فشارهای سیاسی</p> <p>۳- تبدیل شهرها به زیستگاه‌های پر جنب و جوش اقتصادی و زیست‌محیطی پایدار که دسترسی عادلانه به زیرساخت‌های اساسی، خدمات عمومی و فرصت‌ها را برای همه شهروندان و بسترهای مشارکت دموکراتیک فراهم می‌کند.</p>	<p>۱- استفاده از فناوری اطلاعات برای برنامه‌ریزی و پیش‌بینی نیازهای حوزه مدنی و محلی</p> <p>۲- ایجاد چارچوب شهروندمحور: یک چارچوب سیاستی فراگیر با شهروندان در مرکز مدرن‌سازی حکمرانی محلی</p> <p>۳- نهادینه کردن سیستم نظارت مؤثر و شفاف‌سازی بیشتر در امور عمومی و اتخاذ تدابیر لازم برای ارتقای پاسخگویی</p> <p>۳- بهره‌برداری از اقتصاد شهری با تقویت سیستم حکمرانی کلان‌شهرها با لحاظ مواردی چون اختیاریبخشی به مقامات شهری و برون‌دولتی.</p> <p>۴- ظرفیت‌سازی و مهارت‌آفرینی برای مشاغل شهری و تقویت نهادهای مابه‌ازاء</p> <p>۵- مشارکت شهروندی: مشارکت بیشتر شهروندان به اعتماد بین شهروندان و دولت، بهبود پایداری، ارائه خدمات بهتر و پاسخگویی وابسته است.</p>	<p>۱- سیاست‌گذاری مبتنی بر داده باید به ساختار کلی حاکمیتی در برنامه هفتم بدل شود. برای دستیابی به این هدف، تولید و انتشار به موقع داده‌های قوی در تمام سطوح حکمرانی یک پیش‌نیاز خواهد بود.</p> <p>۲- جمع‌آوری داده‌ها برای پارامترهای قابل اندازه‌گیری جدید با استفاده از آخرین فناوری‌ها.</p> <p>۳- بهبود کارایی در فرایندهای مربوط به جمع‌آوری داده‌های موجود توسط ادارات و سازمان‌های دولتی.</p> <p>۴- گسترش امکانات ذخیره و یکپارچه‌سازی داده‌ها از منابع مختلف.</p> <p>۵- ادغام تحلیل و تصویرسازی حاصل از داده‌ها در تمام قاعده‌بندی‌های سیاستی.</p>	<p>۱- در دسترس قرار دادن داده‌ها برای دست‌اندرکاران صنعت، دانشگاهیان، محققان و غیره، هر جا که امکان‌پذیر باشد.</p> <p>۲- هم‌داده‌های اداری و هم‌داده‌های پیمایشی باید در قالب‌های دیجیتال در لحظه جمع‌آوری شوند تا از عملیات کاغذی به عملیات دیجیتالی منتقل شوند.</p> <p>۳- حرکت به سمت یکپارچه‌سازی داده‌ها و تضمین کیفیت داده‌ها</p> <p>۴- برای حاکمیت بهتر و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، توصیه می‌شود از داده‌های بزرگ‌تالی که توسط اشخاص ثالث خصوصی جمع‌آوری شده‌اند استفاده شود.</p> <p>۵- توسعه مهارت‌ها و بازساخت دولت در تراز با حکمرانی مبتنی بر داده</p>

جدول ۸: چند نمونه از سیاست‌های سرزمینی در رویکرد منتخب

توسعه متوازن منطقه‌ای		زیست‌محیط پایدار	
اهداف	رهگام‌ها	اهداف	رهگام‌ها
<p>۱- هدف‌گذاری توسعه متوازن در شهرستان‌ها و استان‌هایی که در حال حاضر در زمینه‌های بهداشت و تغذیه، آموزش، کشاورزی و منابع آب و توسعه مهارت‌ها و زیرساخت‌های اساسی کمتر از میانگین ملی هستند.</p> <p>۲- توسعه هماهنگ بین مناطق کشور بر مبنای استراتژی و ابتکار بزرگ (چیزی مانند طرح کمر بند و جاده) برای:</p> <ul style="list-style-type: none"> - ادغام زنجیره شهری پایتخت - توسعه کمربندهای اقتصادی کشور - پشتیبانی از توسعه مناطق خاص از بابت احیای نواحی تحول‌آفرین - دستیابی به رفاه متوسط در مناطقی با تمرکز اقلیت‌های قومی - تقویت شکل‌دهی کمربندهای متقاطع اقتصادی شرق- غرب و شمال- جنوب 	<p>۱- کاربست داده‌ها برای تصمیم‌گیری و ایجاد رقابت بین مناطق</p> <p>۲- همگرایی ابتکارات در تمام سطوح (بخشی/ منطقه‌ای) برنامه</p> <p>۳- ارتقاء مکانیسم‌های نهادی موجود برای اطمینان از کار گروهی بین مرکز/ مناطق/ استان‌ها</p> <p>۳- استفاده از اتصال جاده‌ای، ریلی و هوایی، ارتباطات اینترنتی/ شبکه‌ای و نهاد مالی به‌منابه بستری برای مداخلات مناسب در حوزه‌های دارای مزیت مناطق (گردشگری، تولید برق‌آبی، صنایع دستی، کشاورزی، صنعت و غیره)</p>	<p>۱- ارائه پشتیبانی نظارتی برای مدل‌های تجاری برای استفاده از بقایای محصولات صنعتی.</p> <p>۲- مدیریت پسماند جامد و آلودگی هوا، آب و خاک</p> <p>۳- اعمال مجازات مدنی سختگیرانه برای تقویت اجرای قوانین مرتبط با محیط‌زیست</p> <p>۴- ترویج جنگل‌کاری از طریق مدیریت مشترک جنگل (مشارکت مردم) و مشارکت بخش خصوصی.</p> <p>۵- اعمال سیاست تغییرات اقلیمی با اولویت‌هایی چون: مأموریت‌های ملی جدید در زمینه انرژی بادی، انرژی حاصل‌زا سوخت زباله؛ و ارتقاء ظرفیت علمی و تحلیلی برای ارزیابی‌های برنامه‌پذیر تغییرات اقلیمی</p>	<p>۱- حفظ محیطی پاک، سبز و سالم با مشارکت مردم برای حمایت از رشد اقتصادی بالاتر و فراگیر از طریق استفاده پایدار از منابع طبیعی در زمینه‌هایی چون:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کنترل آلودگی هوا - مدیریت پسماند (با اجرای مؤثر قوانین مدیریت پسماند) - مواجهه با آلودگی آب (تشویق صنایع به استفاده از آب بازیافتی/ تصفیه شده تا حد امکان و اطمینان از خروج صفر پساب‌های تصفیه نشده از واحدهای صنعتی). - حفظ جنگل‌ها

۳- نتایج و بحث؛ ضرورت انتخاب یک رویکرد نظری پایه در برنامه هفتم و الزامات آن

چنانچه یافته‌های بخش اول و دوم این گزارش نشان می‌دهد، رشد فراگیر یک دورنمای بلندمدت دارد و نیازمند وجود نهادهای فراگیر سیاسی و اقتصادی است. به لحاظ نظری، رویکرد رشد فراگیر بر شانه نظریه نهادی و نوع جدیدی از حکمرانی سیاسی بنام دولت توسعه‌گرا قرار دارد: چارچوبی که مشروعیت مردمی آن تا حد زیادی بر توانایی دولت در ایجاد رشد اقتصادی مداوم متکی است. جوانب درون‌کشوری (امکان برنامه‌ریزی بر روی چند مسئله مشخص در کشور)، جوانب برون‌کشوری (تجربه متأخر برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای در حال توسعه و نزدیک به ما مانند هند و چین) و امکان گذار از آسیب‌های متداول برنامه‌های اول تا ششم در رویکرد منتخب، آن را به عنوان یک گزینه جدی در برنامه هفتم توسعه مطرح می‌کند.

همچنین انتخاب این رویکرد، امکان پاسخ به برخی دوگانه‌ها را فراهم می‌کند: نخست، ضرب‌آهنگ مشخص حوزه‌های مهم برنامه (هر حوزه شامل: یک یا چند هدف مشخص، وضع موجود، محدودیت‌ها، راه‌گام‌ها، نگاه کنید به: نمودارهای ۳ تا ۸) بعضاً ابهام استان‌ها/بخش‌ها را کاهش می‌دهد؛ دوم، امکان تعیین دامنه بازیگری دولت و بخش خصوصی (غیرانتفاعی) مشخص‌تر است (اول بهداشت، آموزش و حوزه‌های فراگیر، دومی سرمایه‌گذاری، رشد و حوزه‌های پیشران)؛ سوم، امکان رضایت‌مندی ذینفعان با توجه به مکانیسم‌های مشارکتی- داوطلبانه، حکمرانی ارتباطی و ملاحظات مردم‌محور مهیاتر است؛ و چهارم، نهاد برنامه‌ریز به مثابه جمع‌کننده آراء و ذینفعان متنوع توسعه بر شکاف‌های اجتماعی پیرامون سند پل می‌زند و امکان تلقی برنامه به‌عنوان یک سند مشارکتی (نه یک قانون مشتمل بر احکام محتوم) وجود دارد.

انتخاب این رویکرد نیز به مانند انتخاب هر رویکرد نظری دیگری در بن‌بیکره برنامه هفتم، مستلزم یک سری قیود و الزامات است که فراروی آنها پیش‌فرض موفقیت برنامه خواهد بود. درست است که در این رویکرد تأکید بر ظرفیت‌سازی برنامه، درگیر کردن عناصر تأثیرگذار در موفقیت برنامه، مردمی بودن و همه‌شمولی برنامه و در یک کلام نگاه گشایشی به برنامه با حداقل منابع و امکانات است؛ اما تحقق این پتانسیل مستلزم پرداختن به یک سری قیود و الزامات و به نوعی آمادگی نظام حکمرانی و برنامه‌ریزی برای انتخاب رویکرد است. بنابراین گام نهادن در راه رشد فراگیر در گرو دو الزام مهم است: از یک سوی، در گرو در نظر گرفتن منطق نظری پشتوانه آن و یک سری الزامات و چارچوب‌های مقدم از جمله حذف نهادهای بهره‌کش و استقرار نهادهای فراگیر و توسعه‌گرا؛ محیط تنظیم‌گری مناسب و غیررانتی؛ توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی؛ افزایش بهره‌وری، اشتغال مولد و شایسته‌سالاری؛ و نیز افزایش حمایت‌های اجتماعی دولت است. از سوی دیگر، شاخص‌ها و ارقام توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور نیز باید حدی از ثبات و عدم نوسان را حداقل در میان‌مدت نشان دهد تا چنین رویکردی به‌درستی سر جای خود بنشیند. نگاه بلندمدت به شاخص‌ها و ارقامی چون رشد، تورم، سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، بهره‌وری،

بیکاری، بهبود محیط کسب‌وکار و غیره در مقایسه با سایر کشورهای هم‌قطار، از اقتصادهای نوظهور گرفته تا کشورهای منطقه منا، ضعف و کاستی در این زمینه را گوشزد می‌کند.^۱ بنابراین از هر دو بُعد فوق که به قضیه بنگریم، باید در انتخاب رویکرد بهینه در برنامه هفتم دقت لازم صورت گیرد تا شرایط کشور لحاظ شود. تا ابد نمی‌توان منتظر بهبود شرایط و پیش‌نیازهای رویکرد بهینه باقی ماند. به باور نگارنده این سطور، انتخاب هر رویکرد نظری بدیل دیگری نیز به جای رویکرد رشد فراگیر (نگاه کنید به: جدول ۲)، مستلزم ایجاد محیط نهادی مناسب و به نوعی توانمند شدن حکمرانی سیاسی-اقتصادی در تراز راهبردی یک برنامه چابک و موفق است. منتها، اولویت رویکرد رشد فراگیر بر رویکردها/نظریه‌های بدیل در جدول ۲ در این است که عناصر رویکرد رشد فراگیر چون مردمی بودن و همه‌شمولی برنامه و فراگیری ذیل یک چشم‌انداز مشخص، موفقیت برنامه هفتم را بیشتر تضمین خواهد کرد؛ چراکه تاکنون همه نگاه‌ها در بزنگاه تدوین برنامه‌ها به ظرفیت دولت معطوف بوده است؛ اما رویکرد منتخب ما سویی دیگر معادله دولت-مردم در برنامه‌ریزی توسعه، یعنی مردم و گروه‌های اجتماعی و پیوندیابی آنها را نیز هدف دارد. این یک تجربه جدید و متفاوت و یک راه سخت و پرپیچ و خم نسبت به برنامه‌های قبلی خواهد بود؛ اما راه دیگری نداریم.

۱. از بابت بحث پیرامون تجربه بلندمدت ایران در شاخص‌ها و روندهای بنیادین توسعه و دشواری‌های موقعیت‌یابی ایران در تراز قدرت‌های نوظهور و نیز اثرات آسیب‌زای حرکت بطنی ارقام توسعه در ایران بر آینده بلندمدت کشور، مطالعاتی از طرف همین مولی در مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری صورت گرفته است. از جمله نگاه کنید به:

- «مطالعه شاخص‌های توسعه با هدف ارزیابی تجربه توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی»، انتشارات مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۸

- «بررسی تطبیقی موقعیت ایران در شاخص‌های بین‌المللی توسعه: مبتنی بر داده‌های نهادهای جهانی»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، ۱۳۹۹

- «مقایسه ایران و اقتصادهای نوظهور در خط‌سیرها و شاخص‌های بنیادین توسعه: دوره زمانی ۲۰۲۰-۱۹۸۰»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری،

منابع

- بزلی، تیموتی و لونیز کورد (۱۳۸۹)، *رشد فقرزدا*، ترجمه عباس شاکری و امین مالکی، تهران: نی.
- تیموری، سید رحیم (۱۴۰۰). «دلالت‌ها و امکان‌های هدف‌گذاری برنامه هفتم توسعه بر رشد اقتصادی ۸ درصدی»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- تیموری، سیدرحیم (۱۴۰۱). «مطالعه تطبیقی تجربه برنامه‌ریزی توسعه در جهان؛ گسست‌ها و گذارها»، تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- جونز، هایول (۱۳۷۰). *رشد اقتصادی (نظریه‌ها الگوها و واقعیت)*، ترجمه صالح لطفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- چانگ، هاجون (۱۳۹۵). *بیست و سه گفتار درباره سرمایه‌داری: گفتار نوزدهم*، ترجمه ناصر زرافشان، تهران: مهریستا.
- خانی، علی و حانیه علی‌بیگی (۱۴۰۱). «شناسایی مسائل، پیشران‌ها و هسته‌های کلیدی توسعه کشور برای کاربست در برنامه هفتم» تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.
- صمدی، علی حسین (۱۰ فروردین ۱۴۰۱). «رشد فراگیر با نهادهای بهره‌کش، قابل دستیابی نیست»، روزنامه اقتصاد پویا.
- عجم‌اوغلو، دارون و جیمز رایبسون (۱۳۹۲). *چرا کشورها شکست می‌خورند*، پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- منکیو، گریگوری (۱۳۹۵)، *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نی.
- Ianchovichina, Elena, and Lundstrom, Susanna (2009). "What is Inclusive Growth?" World Bank
- Castells, Manuel, *The Information Age: III, End of Millennium*, pp. 270–71.
- Ranieri, R., & Almeida Ramos, R. (2013). *Inclusive growth: Building up a concept* (No. 104). Working paper.
- "Strategy for New India @ 75 (2018-2022)," NITI Aayog, Novemer 2018.
- "Twelfth Five Year Plan of India (2012–2017)," Planning Commission: Government of India, 2013.
- "THE 13TH FIVE-YEAR PLANFOR ECONOMIC AND SOCIAL DEVELOPMENT OF THE PEOPLE'S REPUBLIC OF CHINA (2016-2020)." Central Committee of the Communist Party of China, Beijing, China.
- "THE 14TH FIVE-YEAR PLANFOR ECONOMIC AND SOCIAL DEVELOPMENT OF THE PEOPLE'S REPUBLIC OF CHINA (2021-2025)." Central Committee of the Communist Party of China, Beijing, China.
- "THE GOVERNANCE OF INCLUSIVE GROWTH", OECD, 2015.